

نقش واسطه‌ای آسیب‌پذیری بین‌فردی در پیش‌بینی صفات شخصیت‌مرزی بر اساس بدتنظیمی هیجان در دوقلوهای همسان و ناهمسان

مهناز غیاثی^{✉*}، سیده منور یزدی^{**} و غلامرضا صرامی فروشانی^{***}

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای آسیب‌پذیری بین‌فردی در رابطه بدتنظیمی هیجان و صفات شخصیت‌مرزی در دوقلوهای همسان و ناهمسان بود. جامعه آماری شامل دوقلوهای همسان و ناهمسان عضو انجمن دوقلوه‌ها و چندقلوهای پارسی بود. افراد نمونه، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، مجموعاً ۲۵۰ نفر در هر گروه و حداقل سن ۱۸ سال انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها ابزارهای مقیاس شخصیت‌مرزی، مقیاس دشواری در تنظیم هیجان، پرسشنامه مشکلات بین‌فردی و پرسشنامه ماندگی استفاده شد. در تحلیل داده‌ها، شیوه‌های آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی به‌کار رفت. یافته‌ها نشان داد در دوقلوهای همسان، آسیب‌پذیری بین‌فردی دارای نقش واسطه‌ای در رابطه بین بدتنظیمی هیجان و صفات شخصیت‌مرزی است، در حالی‌که در دوقلوهای ناهمسان، این یافته حاصل نشد. با توجه به دوقلو بودن افراد نمونه، وراثت‌پذیری می‌تواند بر بروز و مکانیسم عوامل حاکم بر صفات شخصیت‌مرزی نقش داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: بدتنظیمی هیجان؛ شخصیت‌مرزی؛ آسیب‌پذیری بین‌فردی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* ✉ دانشجوی دکتری دانشگاه الزهراء(س) mghiasi12@gmail.com

** استاد دانشگاه الزهراء(س)

*** استادیار دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

مقدمه

اختلال شخصیت مرزی^۱ (BPD) شامل علائمی چون بی‌ثباتی عاطفی، اشکال در کنترل خشم، تکانشگری، تمایلات خودکشی و جرح خویشتن است. اختلال در زمینه کارکرد خود یا کارکرد بین‌فردی از ملاک‌های لازم برای تشخیص آن است (انجمن روانپزشکی آمریکا^۲، ۲۰۱۳). برخی، اختلال شخصیت مرزی را با سه دسته علامت مشخص کرده‌اند: بدتنظیمی رفتاری، بدتنظیمی عاطفی و به‌هم‌ریختگی در روابط بین‌فردی (اسکودول^۳ و همکاران، ۲۰۰۲). با وجود نامتجانس بودن نشانه‌های BPD، اجماع نظر کلی این است که بدتنظیمی هیجان^۴ مشخصه اصلی آن است (لینهان^۵، ۱۹۹۳). این مؤلفه مدل زیستی‌اجتماعی لینهان شامل حساسیت هیجانی بالا، پاسخ‌های زیاد و شدید به محرک هیجانی و بازگشت آهسته به خط پایه هیجانی است. کارپنتر و ترول^۶ (۲۰۱۳) برای بدتنظیمی هیجان، تعریف ناتوانی در پاسخ منعطف به هیجان‌ها و کنترل آن‌ها را ارائه داده‌اند. طی نتایج یک فراتحلیل، بدتنظیمی هیجان حتی دارای نقش محوری در سبب‌شناسی و پایداری سایر آسیب‌های روانی است (آلداو و نولن - هوکسما و اسویزر^۷، ۲۰۱۰). با وجود این، برخی از محققان نظر دیگری دارند. آن‌ها بر این اعتقاد هستند که مشکلاتی که فرد در تنظیم هیجان دارد، به دنبال مواجه شدن با آسیب‌های دوران کودکی رخ می‌دهد (گلداسمیت، چسنی، هیث و بارلو^۸، ۲۰۱۳). در واقع، بدتنظیمی هیجان بر مبنای تعاملات پرخطر بین ژن-محیط عمل می‌کند.

حیطه بین‌فردی یکی از عوامل منحصربه‌فرد برای BPD است (استنلی و سیور^۹، ۲۰۱۰) و این اختلال را از اختلال‌های محور I و II متمایز می‌کند (گاندرسون، ۲۰۰۷). پژوهشگران

1. borderline personality disorder (BPD)
2. American Psychiatric Association
3. Skodol
4. emotion dysregulation
5. Linehan
6. Carpenter & Trull
7. Aldao & Schweizer
8. Goldsmith, Chesney, Heath & Barlow
9. Stanley & Siever

مطرح کرده‌اند که به دلیل رفتارهای ارتباطی ناسازگارانه (استون^۱، ۱۹۸۸؛ آکسکال^۲، ۱۹۹۲؛ فنی^۳، ۲۰۰۶) ممکن است حساسیت و گوش‌به‌زنگی نسبت به طرد و نداشتن تحمل تنهایی در این افراد رخ بدهد (استپ، اسمیت، مورس، هال‌کوئیست و پیلکنیس^۴، ۲۰۱۲؛ سادیکج، راسل، مسکوویتز و پاریس^۵، ۲۰۱۰ و کرچفیلد، کلارکین، لوی و کرنبرگ^۶، ۲۰۰۸). اینجاست که بیماران مرزی روابط بی‌ثباتی را شکل می‌دهند، نمی‌توانند حس ثابتی از هویت خود داشته باشند، احساسات درونی تهی بودن را تجربه می‌کنند و به‌طور دیوانه‌وار از ترک شدن واقعی یا خیالی اجتناب می‌کنند (کلیفتون، پیلکونیس و مک‌کارتی^۷، ۲۰۰۷). به همین جهت، یکی از اثرات شدت هیجان بالا، ایجاد آسیب‌پذیری بین‌فردی است (لینهان، ۱۹۹۳ و دیکسون-گوردون، گرتز، بریتز و تال^۸، ۲۰۱۳). دیکسون-گوردون، یی و چاپمن^۹ (۲۰۱۳) نشان دادند که بدعملکردی بین‌فردی در ارتباط با پاسخ‌های هدایت‌شده در سطح پوست، در رابطه واکنش‌پذیری هیجانی و ویژگی‌های شخصیت مرزی نقش واسطه‌ای دارد. در نتیجه ضرورت دارد که نقش همزمان بدتنظیمی هیجان و آسیب‌پذیری بین‌فردی در افراد مبتلا به BPD و به‌خصوص اثر ژنتیک بررسی شود.

یکی از مؤلفه‌هایی که به ایجاد BPD منجر می‌شود، تأثیرات ژنتیک است که در فنوتیپ^{۱۰}، خود را ظاهر می‌کند. فنوتیپ، نتیجه رونویسی از ژن‌ها است (کرنر، گرال، استیونسون و میرز^{۱۱}، ۲۰۰۷) و به ویژگی‌های قابل مشاهده ارگانیسم گفته می‌شود. از ویژگی‌های قابل مشاهده، داده‌های پرسشنامه است که کمک می‌کند بدون بررسی DNA، به تأثیرات آن بر رفتار پی ببریم. این امر، به‌وسیله مطالعاتی حاصل می‌شود که از نمونه‌های دوقلوی همسان و

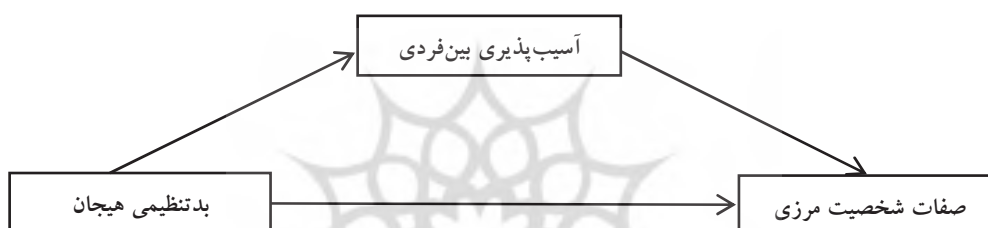
-
1. Stone
 2. Akiskal
 3. Feeney
 4. Stepp, Smith, Morse, Hallquist & Pilkonis
 5. Sadikaj, Russell, Moskowitz & Paris
 6. Critchfield, Clarkin, Levy & Kernberg
 7. Clifton, Pilkonis & McCarty
 8. Dixon-Gordon, Gratz, Breetz & Tull
 9. Dixon-Gordon, Yiu & Chapman
 10. phenotype
 11. Korner, Gerull, Stevenson & Meares

ناهمسان استفاده کرده باشند. مطالعات دوقلوئی نشان می‌دهد BPD درجات مشابهی از وراثت‌پذیری^۱ را در همه کشورهای دارا است (دیستل و همکاران، ۲۰۰۸). دیستل و همکاران (۲۰۰۸)، وراثت‌پذیری BPD را ۴۲٪ گزارش دادند. در پژوهش تورگرسن و همکاران (۲۰۰۰) وراثت‌پذیری در دسته «ب» از اختلالات شخصیت برابر ۰/۶۰ و برای BPD به میزان ۰/۶۹ بود. طبق مطالعات ذکر شده، صفات شخصیت مرزی مانند بسیاری از اختلالات روان‌شناختی، تحت تأثیر ژن‌ها قرار دارد. نیاز است که مطالعات دوقلوئی^۲ اجرا شود تا در شرایطی که امکان مطالعه ژنوتیپ به‌طور مستقیم وجود ندارد، از طریق فنوتیپ بتوان متغیرهای مورد هدف را بررسی کرد تا نتایج دقیق‌تری حاصل شود.

از آنجا که احتمال دارد بیماران بالینی نمایانگر جامعه BPD نباشند (به عنوان مثال، اختلال شدید شخصیت را نشان دهند و حتی همبودی زیاد در محور II داشته باشند) یا دارای آسیب‌شناسی در همه حیطه‌ها (مثلاً محور I، اختلالات پزشکی و سایر اختلالات) باشند (لزنوگر^۳، ۲۰۰۸) لازم است به بررسی صفات در جمعیت غیربالینی اقدام شود. صفات عبارت است از الگوهای پایدار رفتار و گرایش‌های شخصیتی ثابت (هسین و تروپ^۴، ۲۰۰۰). وقتی پاسخ‌های هیجانی به‌طور مکرر در اغلب ماه‌ها و سال‌ها رخ می‌دهند، بدتنظیمی هیجان، رفته‌رفته به یک صفت^۵ تبدیل می‌شود (چیونس^۶ و همکاران، ۲۰۰۵). اخیراً، به دلیل مطالب ذکر شده، پژوهش در مورد BPD به سمت مطالعات مشابهی پیش رفته است که از نمونه غیربالینی استفاده می‌کنند (چیونس و همکاران، ۲۰۰۵؛ به نقل از ترال، ۲۰۰۱). بنابراین، لازم است افرادی وارد پژوهش شوند که صفات شخصیت مرزی را دارند. با توجه به مطالب مذکور مشخص شد که بدتنظیمی هیجان و آسیب‌پذیری بین‌فردی، از متغیرهای محوری در بروز و حفظ شخصیت مرزی هستند. از طرفی، در این زمینه کمبود پژوهش‌هایی وجود دارد که بیش از دو متغیر را در بررسی این شخصیت به‌طور همزمان

-
1. heritability
 2. twin studies
 3. Lenzenweger
 4. Hassin & Trope
 5. trait
 6. Cheavens

بررسی کرده باشند. به‌خصوص، پژوهش‌های بسیار اندکی برای بررسی شخصیت مرزی از مطالعات دوقلویی استفاده کرده‌اند. در داخل کشور، پژوهشی یافت نشد که نقش وراثت‌پذیری را در این زمینه، با استفاده از مطالعات دوقلویی مورد مطالعه قرار داده باشد. با عنایت به این موارد، هدف از پژوهش حاضر عبارت است از بررسی نقش بدتنظیمی هیجان و نقش واسطه‌ای آسیب‌پذیری بین‌فردی در پیش‌بینی صفات شخصیت مرزی در جمعیت غیربالینی و مقایسه این فرایند در دوقلوهای همسان و ناهمسان. ارتباط این متغیرها، در شکل ۱، بر مبنای هدف پژوهش حاضر ارائه شده است.



شکل ۱: نقش واسطه‌ای آسیب‌پذیری بین‌فردی در ارتباط بین بدتنظیمی هیجان و صفات شخصیت مرزی

فرضیه پژوهش عبارت بود از: نقش واسطه‌گری آسیب‌پذیری بین‌فردی در پیش‌بینی صفات شخصیت مرزی بر اساس بدتنظیمی هیجان در دوقلوهای همسان و ناهمسان تفاوت دارد.

روش

جامعه آماری شامل تمامی دوقلوهای همسان و ناهمسان بود که در انجمن دوقلوها و چندقلوهای پارسی عضویت داشتند. تعداد اعضای جامعه آماری ۶۸۵۴ نفر بود. برای انتخاب افراد نمونه، روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. چون تمامی دوقلوها نمی‌توانستند هم‌زمان در دفتر انجمن حضور داشته باشند، پرسشنامه‌ها فردی اجرا شد. به این صورت که با افراد گروه نمونه، از دفتر انجمن تماس تلفنی گرفته می‌شد تا در جریان پژوهش قرار بگیرند و از آن‌ها خواسته می‌شد برای پاسخ دادن به پرسشنامه‌ها مراجعه کنند. تعدادی از آن‌ها، پرسشنامه‌ها را در دفتر انجمن تکمیل کردند، اما برای سایر شرکت‌کنندگان، پرسشنامه‌ها توسط دفتر انجمن از طریق ایمیل یا فکس ارسال شد. تکمیل پرسشنامه‌ها از خرداد ماه تا اسفند ماه

۱۳۹۳ به طول انجامید. تعداد افراد نمونه، ۱۲۵ جفت دوقلوی همسان (۲۵۰ نفر) و ۱۲۵ جفت دوقلوی ناهمسان (۲۵۰ نفر) بود. به طورکل، ۵۰۰ نفر نمونه پژوهش را تشکیل دادند. درباره پرسشنامه‌هایی که ناقص بودند، از طریق انجمن پیگیری انجام شد و از فرد مورد نظر درخواست شد که بخش‌های ناقص را تکمیل کند. ملاک همسانی یا ناهمسانی دوقلوها بر اساس میزان شباهت به یکدیگر و اشتباه در تشخیص آن‌ها قرار داشت. ضروری بود که این افراد حداقل ۱۸ سال داشته باشند و مدرک آن‌ها حداقل دیپلم بود.

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها عبارت بودند از:

مقیاس شخصیت مرزی^۱ (STB): مقیاس شخصیت مرزی حاصل پرسشنامه صفات اسکیزوتایپی^۲ (STQ) است که توسط کلاریج و بروکز^۳ (۱۹۸۴) ساخته شده است و راولینگز، کلاریج و فریمن^۴ (۲۰۰۱) آن را بررسی مجدد کرده‌اند. این مقیاس ۱۸ سؤال دو گزینه‌ای (بله-خیر) دارد. کاربرد مقیاس شخصیت مرزی برای مطالعه خصلت‌های مرزی در جامعه غیربالینی است (محمدزاده، گودرزی، تقوی و ملازاده، ۱۳۸۴). راولینگز و همکاران (۲۰۰۱) ضریب آلفای کرونباخ را برای آن ۰/۸۰ گزارش داده‌اند. از آنجا که مقیاس شخصیت مرزی بر اساس ملاک‌های DSM-III ساخته شده است، در پژوهش محمدزاده و همکاران (۱۳۸۴)، ۶ سؤال بر مبنای متون روانشناسی مرضی و روان‌پزشکی به آن اضافه شد تا تعریف DSM-IV-TR از اختلال شخصیت مرزی تحت پوشش قرار گیرد. در نهایت، ۲۰ سؤال در سه عامل ناامیدی^۵، تکانشگری^۶ و علائم تجزیه‌ای و پارانوئیدی وابسته به استرس^۷ باقی ماند. همسانی درونی ۰/۷۷ و ضریب پایایی بازآزمایی، ۰/۸۴ به دست آمد. در پژوهش حاضر، از نسخه ۲۰ سؤالی استفاده شد. چون سؤالات بر اساس طیف لیکرت بودند امکان مطرح کردن واریانس وجود نداشت (پاینده، نجف‌آبادی و امیدی نجف‌آبادی، ۲۰۱۶). پس، برای محاسبه همسانی درونی از شیوه تنای ترتیبی با نرم‌افزار R استفاده شد و ضریب تنای ترتیبی ۰/۸۲ حاصل شد.

-
1. Schizotypal Trait questionnaire (STB)
 2. Schizotypal Trait Questionnaire (STQ)
 3. Claridge & Broks
 4. Rawlings, Claridge & Freeman
 5. Hoplesness
 6. Impulsivity
 7. Stress related dissociative and paranoid symptoms

مقیاس دشواری در تنظیم هیجان (DERS)^۱: این مقیاس را گراتز و روئمر^۲ (۲۰۰۴) ساخته‌اند و ۳۶ گویه در ۶ زیرمقیاس دارد. هر یک از سؤالات، بر طیف لیکرت (۱=به‌ندرت تا ۵=همیشه) هستند. پایایی این آزمون به روش همسانی درونی و آزمون-بازآزمون به ترتیب به میزان ۰/۹۳ و ۰/۸۵ بوده است. همچنین، روایی سازه به میزان کافی و مناسب گزارش شده است (گراتز و روئمر، ۲۰۰۴). در پژوهش علوی، مدرس‌غروی، امین‌یزدی و صالحی فدردی (۱۳۹۰) همسانی درونی به مقدار ۰/۸۶ حاصل شده است. در این پژوهش، ضریب تنای ترتیبی ۰/۹۱ بود.

پرسشنامه مشکلات بین‌فردی (IIP)^۳: بارخام، هاردی و استارتوپ^۴ (۱۹۹۶) این پرسشنامه را با استفاده از پرسشنامه اصلی (هورویتز، روزنبرگ، بیر، آرنو و ویلاسنور^۵، ۱۹۸۸) طراحی کرده است. این پرسشنامه ۳۲ سؤالی، مشکلات را در روابط بین‌فردی می‌سنجد و ۸ زیرمقیاس بر طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۰=به هیچ‌وجه، ۴=به شدت) دارد. بارخام و همکاران (۱۹۹۶) روایی بالا را برای آن گزارش داده‌اند. در پژوهش فتح، آزادفلاح، رسول‌زاده طباطبایی و رحیمی (۱۳۹۲)، طی تحلیل عامل برای فرم ۳۲ سؤالی، ۲۹ سؤال در ۶ زیرمقیاس باقی ماند و ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۲ شد. در این پژوهش، از پرسشنامه ۲۹ سؤالی استفاده شد که حاصل تحلیل عامل در جمعیت ایرانی (فتح و همکاران، ۱۳۹۲) بود و ضریب تنای ترتیبی، ۰/۸۶ حاصل شد.

پرسشنامه ماندگی^۶: این پرسشنامه دارای ۲ سؤال بر اساس شباهت دوقلو به یکدیگر است. اگر هر دوقلو یا فقط یکی از آن‌ها به هر دو سؤال پاسخ «بله» بدهند، یعنی همسان و اگر به هر دو سؤال پاسخ آن‌ها «نه» باشد یعنی ناهمسان هستند. با پاسخ‌های متناقض از هر دوقلو، در طبقه نامشخص گروه‌بندی می‌شوند (هرویک و نیل^۷، ۱۹۷۸). ریتولد^۸ و همکاران (۲۰۰۰)

-
1. Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS)
 2. Gratz & Roemer
 3. Inventory of Interpersonal Problems (IIP)
 4. Barkham, Hardy & Startup
 5. Horowitz, Rosenberg, Baer, Uren & Villasenor
 6. Zygosity Questionnaire
 7. Hrubec & Neel
 8. Reitveld

طی مطالعات دوقلویی گزارش دادند که پاسخ‌های حاصل از پرسشنامه در مقایسه با نشانگر پروتئین سرم به میزان ۹۵٪ صحت تشخیصی دارد. هرویک و نیل (۱۹۷۸، ۱۹۸۱) نیز مطرح کردند که تخمین ماندگی، به مقدار ۹۵٪ به درستی انجام می‌شود. میزان دقت پرسشنامه، در مقایسه با نشانگرهای DNA در نمونه ایرانی، معادل ۹۷/۱۱٪ تشخیص درست بوده است (خرم‌دل، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر، صحت تشخیص دوقلوهای همسان، ۹۸/۴۰٪ و در دوقلوهای ناهمسان، ۹۸٪ حاصل شد.

یافته‌ها

تحلیل داده‌ها، با شیوه‌های آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی بر مبنای روش پیشنهادی بارون و کنی^۱ (۱۹۸۵) انجام شد. ابتدا، نرمال بودن و روابط خطی داده‌ها بررسی و مشاهده شد این دو پیش‌فرض مطلوب هستند. داده‌های پرت، از مجموعه داده‌ها حذف شد.

طبق جدول ۱، ۲۴٪ از افراد نمونه را دوقلوهای همسان مرد و ۷۶٪ را دوقلوهای همسان زن تشکیل داده‌اند. در گروه دوقلوهای ناهمسان، ۲۷/۲۰٪ را مردان و ۷۲/۸۰٪ را زنان شامل شده‌اند. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان برای دوقلوهای همسان به ترتیب برابر است با ۲۳/۸۹ و ۴/۵۴ و برای دوقلوهای ناهمسان به ترتیب عبارت است از ۲۳/۰۳ و ۳/۹۴.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی دوقلوهای همسان و ناهمسان

گروه	مرد	زن	سن	انحراف استاندارد
	فراوانی	فراوانی	میانگین	
دوقلوهای همسان	۶۰	۱۹۰	۲۳/۸۹	۴/۵۴
دوقلوهای ناهمسان	۶۸	۱۸۲	۲۳/۰۳	۳/۹۴

مطابق یافته‌های جدول ۲، میانگین و انحراف استاندارد برای تمامی متغیرها، در گروه دوقلوهای همسان کم‌تر از گروه دوقلوهای ناهمسان است.

1. Baron & Kenny

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش برای دوقلوهای همسان و ناهمسان

گروه	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
دوقلوهای همسان	صفات شخصیت مرزی	۴/۱۵	۳/۱۱
	بدتنظیمی هیجان	۷۴/۰۶	۱۷/۸۷
	آسیب بین فردی	۳۶/۹۵	۱۲/۷۵
دوقلوهای ناهمسان	صفات شخصیت مرزی	۵/۰۷	۳/۷۶
	بدتنظیمی هیجان	۸۲/۰۴	۱۹/۷۸
	آسیب بین فردی	۳۹/۷۲	۱۳/۰۸

در جدول ۳ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی بین متغیرها در هر دو گروه معنادار است. بیشترین مقدار ضریب همبستگی در گروه دوقلوهای همسان (۰/۵۲) و نیز گروه دوقلوهای ناهمسان (۰/۷۰) مربوط به رابطه بین بدتنظیمی هیجان و صفات شخصیت مرزی است.

جدول ۳: ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش برای دوقلوهای همسان و ناهمسان

گروه	متغیر	صفات شخصیت مرزی	بدتنظیمی هیجان	آسیب بین فردی
دوقلوهای همسان	صفات شخصیت مرزی	۱	۰/۵۲**	۰/۴۵**
	بدتنظیمی هیجان		1	۰/۴۷**
	آسیب بین فردی			1
دوقلوهای ناهمسان	صفات شخصیت مرزی	۱	۰/۷۰**	۰/۵۱**
	بدتنظیمی هیجان		1	۰/۵۵**
	آسیب بین فردی			1

**P<۰/۰۱

مطابق یافته‌های جدول ۴، تمام مراحل رگرسیون بین متغیر ملاک و متغیر پیش‌بین معنادار است. ضریب بتا، کاهش معناداری را از گام اول (۰/۵۲) به گام سوم (۰/۴۰) نشان می‌دهد (P<۰/۰۵). این نتیجه حاصل شد که در گروه دوقلوهای همسان آسیب بین فردی دارای نقش واسطه‌ای در ارتباط بین بدتنظیمی هیجان و صفات شخصیت مرزی است.

جدول ۴: نقش واسطه‌ای آسیب بین‌فردی در رابطه بدتنظیمی هیجان و صفات شخصیت مرزی در دوقلوهای همسان

سطح معناداری	t	Beta	S.E.**	B	R ²	R	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
گام اول								
۰/۰۰*	۹/۷۴	۰/۵۲	۰/۰۰	۰/۰۹	۰/۲۷	۰/۵۲	صفات شخصیت مرزی	بدتنظیمی هیجان
گام دوم								
۰/۰۰*	۸/۵۱	۰/۴۷	۰/۰۳	۰/۳۳	۰/۲۲	۰/۴۷	آسیب بین‌فردی	بدتنظیمی هیجان
گام سوم								
۰/۰۰*	۶/۷۹	۰/۴۰	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۳۲	۰/۵۷	صفات شخصیت مرزی	بدتنظیمی هیجان
۰/۰۰*	۴/۳۷	۰/۲۵	۰/۰۱	۰/۰۶			آسیب بین‌فردی	آسیب بین‌فردی

**خطای انحراف استاندارد* $P < 0/05$

طبق یافته‌های مشاهده شده در جدول ۵، با اینکه رابطه معنادار در تمامی گام‌های رگرسیون مشاهده می‌شود، اما در گام سوم نسبت به گام دوم، افزایش در ضریب بتا رخ داده است ($P < 0/05$). مشخص می‌شود که در گروه دوقلوهای ناهمسان، آسیب بین‌فردی دارای نقش واسطه‌ای در ارتباط بین بدتنظیمی هیجان و صفات شخصیت مرزی نیست.

جدول ۵: نقش واسطه‌ای آسیب بین‌فردی در رابطه بدتنظیمی هیجان و صفات شخصیت مرزی در دوقلوهای ناهمسان

سطح معناداری	t	Beta	S.E.	B	R ²	R	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
گام اول								
۰/۰۰*	۱۵/۴۹	۰/۷۰	۰/۰۰	۰/۱۳	۰/۴۹	۰/۷۰	صفات شخصیت مرزی	بدتنظیمی هیجان
گام دوم								
۰/۰۰*	۱۰/۴۴	۰/۵۵	۰/۰۳	۰/۳۶	۰/۳۰	۰/۵۵	آسیب بین‌فردی	بدتنظیمی هیجان
گام سوم								
۰/۰۰*	۱۱/۲۷	۰/۵۹	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۵۱	۰/۷۱	صفات شخصیت مرزی	بدتنظیمی هیجان
۰/۰۰*	۳/۴۷	۰/۱۸	۰/۰۱	۰/۰۵			آسیب بین‌فردی	آسیب بین‌فردی

* $P < 0/05$

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه بدتنظیمی هیجان و نقش واسطه‌ای آسیب‌پذیری بین‌فردی

در پیش‌بینی صفات شخصیت مرزی در دوقلوهای همسان و ناهمسان انجام شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که در هر دو گروه، متغیرهای بدتنظیمی هیجان، آسیب‌پذیری بین‌فردی و صفات شخصیت مرزی رابطه معنادار با یکدیگر دارند. همچنین، این نتیجه حاصل شد که در گروه دوقلوهای همسان، آسیب‌پذیری بین‌فردی دارای نقش واسطه‌ای در رابطه بین بدتنظیمی هیجان و صفات شخصیت مرزی است. این یافته‌ها، همسو با پژوهش دیکسون-گوردون و همکاران (۲۰۱۳) و اسکودول و همکاران (۲۰۰۲) است، اما در گروه دوقلوهای ناهمسان، این رابطه برقرار نبود.

تعدادی از نظریه‌پردازان از جمله استون (۱۹۸۸)، آکسکال (۱۹۹۲) و لینهان (۱۹۹۳) مطرح کرده‌اند که در بیماران BPD، بی‌ثباتی عاطفی نقش محوری در ایجاد آشفتگی‌های رفتاری و بین‌فردی دارد. اگرچه، روان‌شناسی ایگو و روابط شیء (کرنبرگ، ۱۹۹۲)، بی‌ثباتی عاطفی را دلیل اولیه در سبب‌شناسی مرزی نمی‌دانند، اما بر نقش عاطفه در تحول بازنمایی‌های فرد از خود و دیگران تأکید کرده‌اند. این مطلب، نشان‌دهنده یک بنیان مفهومی برای ارتباط بی‌ثباتی عاطفی و اشکال در بازنمایی‌های شیء درونی شده است. این امر در BPD، به روابط بین‌فردی مختل و آشفتگی هویت می‌انجامد. به علاوه، شبکه‌های اجتماعی آن‌ها بی‌ثبات است و روابط متغیر و پایان‌یافته بسیاری دارد (کلیفتون و همکاران، ۲۰۰۷). استپ و همکاران (۲۰۱۲) و کرفیلد و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند، میان BPD با حساسیت بین‌فردی، دوسوگرایی بین‌فردی، پرخاشگری بین‌فردی، نیاز به تأیید اجتماعی و فقدان جامعه‌پذیری ارتباط وجود دارد. این تعارضات به پریشانی روان‌شناختی، حساسیت بین‌فردی بیشتر و کاهش احساس ارزشمندی این افراد منجر می‌شود (فنی، ۲۰۰۶). در پژوهش حاضر نیز، مشاهده شد آسیب‌پذیری بین‌فردی و بدتنظیمی هیجان رابطه دارند.

طبق نظریه لینهان (۱۹۹۳) که یکی از مشکلات در BPD، محیط نامعتبرساز است، چون این افراد از دوران کودکی در چنین محیطی بوده‌اند، فرصتی برای رشد بهنجار هیجان‌های خود نداشته‌اند و نتوانسته‌اند تشخیص بدهند در هر موقعیت، چه واکنشی با چه فراوانی نیاز است. افراد دارای شخصیت مرزی اکثراً قادر نیستند نام‌گذاری صحیحی برای هیجان‌های خود داشته باشند و این امر، باعث می‌شود به عنوان مثال، خشم را به جای شرم تشخیص بدهند. پس، هیجانی بروز می‌یابد که با موقعیت تناسب ندارد. تنظیم هیجان اثر عمده‌ای بر کارکردهای

روانی، شناختی، فیزیولوژیکی و رفتاری دارد (گراس و تامپسون، ۲۰۰۷؛ به نقل از هاشمی و جوکار، ۱۳۹۲). ویدیگر و فرانسیس (۱۹۸۵؛ به نقل از بشارت، ۱۳۸۸) مطرح کرده‌اند که هر یک از اختلال‌های شخصیت دارای سبک بین‌فردی ناکارآمدی هستند که معمولاً مخصوص آن اختلال است. آن‌طور که لینهان (۱۹۹۳) می‌گوید با داشتن بدتنظیمی هیجان که باعث می‌شود فرد در روابط خود آسیب‌پذیر شود، ارتباط با شخصیت مرزی مانند راه رفتن بر پوسته تخم‌مرغ است، چون هر لحظه امکان دارد این پوسته نازک که نمایانگر حساسیت هیجانی شدید آن‌ها است، در بهترین حالت ترک بخورد. به‌طور کل، تعامل آسیب‌پذیری فردی با آسیب‌پذیری زیستی و عوامل محیطی، می‌تواند شخصیت مرزی را ایجاد کند (لینهان، ۱۹۹۳؛ به نقل از محمدزاده، ۱۳۸۹).

به‌علاوه، معناداری فرضیه برای گروه دوقلوهای همسان نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر شخصیت مرزی می‌دانند تحت‌تأثیر وراثت‌پذیری قرار بگیرند. طی فرایند تحول، چون دوقلوهای همسان شباهت بیشتری در چهره، جنسیت و ... دارند، زمان بیشتری را با هم می‌گذرانند. این امر، باعث می‌شود محیط مشترک را قوی‌تر از دوقلوهای ناهمسان تجربه کنند. در این راستا، تغییراتی که توسط محیط بر DNA این افراد گذاشته می‌شود کم‌تر از تغییراتی است که در گروه دوقلوهای ناهمسان رخ می‌دهد. حتی از جنبه‌ی اثرات محیط بر ژن‌ها، در دوقلوهای همسان، تفاوت، کم‌تر و یکسانی ژنتیکی، بیشتر است. پژوهش‌ها نیز، اهمیت وراثت‌پذیری را در شکل‌گیری صفات شخصیت مرزی نشان داده‌اند (به عنوان مثال، بورنوالوا و همکاران، ۲۰۰۹).

بر اساس مجذور ضریب همبستگی استفاده شده در تحلیل داده‌ها، مشاهده شد که مقدار این شاخص برای پیش‌بینی، پایین است. این وضعیت، در پیش‌بینی آسیب بین‌فردی و شخصیت مرزی بر اساس بدتنظیمی هیجان رخ داد. یک فرض این است که پایین بودن مجذور ضریب همبستگی، نماینده‌ی میزان پیش‌بینی، نشان می‌دهد احتمالاً عوامل دیگری غیر از متغیرهای این پژوهش دخیل هستند. یعنی، روابط به دست آمده در این پژوهش نتوانسته است صد در صد از میزان پیش‌بینی‌کنندگی را تحت پوشش قرار دهد. در چنین شرایطی، فقط بخشی از آن‌چیزی مشخص می‌شود که در فرایند تحول شخصیت مرزی رخ می‌دهد و ادعای وجود بقیه‌ی عوامل حاکم بر آن با ابهام مواجه می‌شود. دل‌بستگی ناپایمن، تکانشگری، فقدان و

تجربه سوگ، سوءرفتار در دوران کودکی از جمله سوءرفتار جسمی، جنسی و عاطفی، غفلت جسمی و عاطفی از عواملی هستند که تاکنون در نظریات و پژوهش‌های مختلف (مثل لینهان، ۱۹۹۳؛ یانگ، کلسکو و ویشار^۱، ۲۰۰۳؛ الزی^۲، ۲۰۰۹) در سبب‌شناسی شخصیت مرزی ذکر شده‌اند. به عنوان مثال، یانگ و همکاران (۲۰۰۳) مطرح کرده‌اند که طرحواره‌های محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی و نقص / شرم از عوامل غالب در سیستم شناختی افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی هستند که در کنار بدتنظیمی هیجان، بسیاری از آسیب‌های بین‌فردی را در این افراد رقم می‌زنند. همچنین، بیان شده است که سبک‌های مقابله‌ای این افراد معمولاً از نوع بیش‌جبران است و به منزله یکی دیگر از متغیرهای دخیل در این اختلال شناخته شده است. بنابراین، لازم است تنها بر متغیرهایی تکیه نکرد که در این پژوهش بررسی شدند و نتایج پژوهش حاضر را به عنوان بخشی از حقیقت اختلال شخصیت مرزی در نظر گرفت.

یکی از نتایج، کم‌تر بودن میانگین و انحراف استاندارد نمرات در گروه دوقلوهای همسان نسبت به دوقلوهای ناهمسان بود. درست است که گروه دوقلوهای همسان نیز، تحت‌تأثیر محیط قرار دارند و این عامل می‌تواند تنوع ژنتیکی را افزایش دهد، اما بخش دیگری از ذخیره ژنتیکی را کروموزوم‌هایی تشکیل می‌دهند که از پدر و مادر به ارث رسیده‌اند. پس، شباهت در نسخه ژنتیکی دوقلوهای همسان بیشتر می‌شود. در نتیجه، داده‌ها انحراف کم‌تری از استاندارد مورد نظر خواهند داشت و فنوتیپ دارای شباهت بالاتر و گاهی، یکسان خواهد بود. احتمال دارد معنادار شدن فرضیه پژوهش در این گروه، به دلیل نزدیکی بیشتر فنوتیپ در آن‌ها باشد.

چیونس و همکاران (۲۰۰۵) پیشنهاد کرده‌اند در مطالعات آینده به راهبردهای تنظیم هیجان از قبیل نشخوار فکری، پرت کردن حواس^۳ و بازسازی شناختی^۴ توجه شود. با توجه به یافته‌های این پژوهش، لازم است به مطالعات بین‌فرهنگی با محوریت نقش وراثت‌پذیری در ایجاد BPD، توجه شود. پیشنهاد می‌شود از طریق بررسی مسیرهای عصب‌شناختی نیز، به تأیید یا فقدان تأیید یافته‌های پژوهش حاضر اقدام شود. همچنین، مطالعات بین‌نسلی و شجره‌نامه‌ای برای فرهنگ ایران در ارتباط با صفات شخصیت مرزی توصیه می‌شود. به دلیل دشوار بودن

-
1. Young, Klosko & Weishaar
 2. Elzy
 3. distraction
 4. cognitive restructuring

دسترسی به افرادی که مبتلا به BPD هستند، در این پژوهش فقط امکان بررسی صفات شخصیت مرزی وجود داشت. همچنین، برای بررسی همسانی یا ناهمسانی دوقلوها، بررسی ژنوم امکان‌پذیر نبود.

تشکر و قدردانی

از همکاری‌های صمیمانه مدیریت محترم انجمن دوقلوها و چندقلوهای پارسی و اعضای این انجمن که ما را در اجرای این پژوهش یاری کردند، قدردانی می‌شود.



منابع

- بشارت، محمد علی (۱۳۸۸). رابطه بین سخت‌کوشی و مشکلات بین‌شخصی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۵(۴)، ۸۵-۱۰۵.
- خرم‌دل، کاظم (۱۳۹۳). سبب‌شناسی اختلالات طیف وسواس در دو قلوهای همسان و غیرهمسان (مدل یکپارچه ژنتیکی، محیطی و رفتاری). رساله دکتری روان‌شناسی. دانشگاه محقق اردبیلی، ایران.
- علوی، خدیجه، مدرس غروی، مرتضی، امین‌یزدی، سیدامیر و صالحی فدردی، جواد (۱۳۹۰). اثربخشی رفتار درمانی دیالکتیکی به شیوه گروهی (با تکیه بر مؤلفه‌های هوشیاری فراگیر بنیادین، تحمل پریشانی و تنظیم هیجانی) بر نشانه‌های افسردگی در دانشجویان. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، سال ۱۳ (۲)، ۱۳۵-۱۲۴.
- فتح، نجمه، آزادفلاح، پرویز، رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم و رحیمی، چنگیز (۱۳۹۲). روایی و اعتبار پرسشنامه مشکلات بین‌فردی (IIP-32). *مجله روانشناسی بالینی*، سال پنجم، ۳ (۱۹)، ۸۱-۶۹.
- محمدزاده، علی (۱۳۸۹). بررسی برخی از همبسته‌های جمعیت‌شناختی الگوهای شخصیت مرزی در نمونه‌های غیربالینی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۶(۴)، ۱۴۷-۱۶۱.
- محمدزاده، علی، گودرزی، محمد علی، تقوی، سید محمد رضا و ملازاده، جواد (۱۳۸۴). بررسی ساختار عاملی، روایی، پایایی و هنجاریابی مقیاس شخصیتی مرزی (STB) در دانشجویان دانشگاه شیراز. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۷(۲۸ و ۲۷)، ۸۹-۷۵.
- هاشمی، زهرا و جوکار، بهرام (۱۳۹۲). مدل‌یابی علی تاب‌آوری هیجانی: نقش دلبستگی به والدین و همسالان، راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم شناختی هیجان‌ات. *مطالعات روان‌شناختی*، ۹(۱)، ۳۷-۹.
- Akiskal, H. S. (1992). Delineating irritable and hyperthymic variants of the cyclothymic temperament. *Journal of Personality Disorders*, 6(4), 326-342.
- Alavi, KH., Modarres Gharavi, M., Amin Yazdi, S. A. & Salehi, J. (2011). Effectiveness of group dialectical behavior therapy (based on core mindfulness, distress tolerance and emotion regulation components) on depressive symptoms in university students. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 13, 2(50), 124-135(Text in Persian).

- Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S. & Schweizer, S. (2010). Emotion-regulation strategies psychopathology: A meta-analytic review. *Clinical Psychology Review*, 30(2), 217- 237.
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5th ed.)*. Washington, DC: Author.
- Barkham, M., Hardy, G. E. & Startup, M. (1996). The IIP-32: A short version of the Inventory of Interpersonal Problems. *British Journal of Clinical Psychology*, 35(1), 21-35.
- Baron, R. & Kenny, D. (1986). The moderator -mediator variable distinction in social psychological research: conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of personality and social psychology*, 57(6), 173-182.
- Besharat, M. A. (2008). Relation between hardiness and Interpersonal problems. *Journal of Psychological Studies*, 5(4), 85-105(Text in Persian).
- Carpenter, R. W., & Trull, T. J. (2013). Components of Emotion Dysregulation in Borderline Personality Disorder: A Review. *Current Psychiatry Reports*, 15(1): 335, 1-8.
- Cheavens, J. S., Zachary Rosenthal, M., Daughters, S. B., Nowak, J., Kosson, D., Lynch, T. R. & Lejuez, C. W. (2005). An analogue investigation of the relationships among perceived parental criticism, negative affect, and borderline personality disorder features: the role of thought suppression. *Behaviour Research and Therapy*, 43(2), 257-268.
- Claridge, G., & Broks, P. (1984). Schizotypy and hemisphere function: I. Theoretical considerations and the measurement of schizotypy. *Personality and Individual Differences*, 5(6), 633-648.
- Clifton, A., Pilkonis, P. A., & McCarty, C. (2007). Social networks in borderline personality disorder. *Journal of Personality Disorders*, 21(4), 434-441.
- Critchfield, K. L., Clarkin, J. F., Levy, K. N. & Kernberg, O. F. (2008). Organization of co-occurring Axis II features in borderline personality disorder. *British Journal of Clinical Psychology*, 47(2), 185-200.
- Dixon-Gordon, K. L., Gratz, K. L., Breetz, A., & Tull, M. (2013). A laboratory-based examination of responses to social rejection in borderline personality disorder: the mediating role of emotion dysregulation. *Journal of Personality Disorders*, 27(2), 157-171.
- Dixon-Gordon, K. L., Yiu, A. & Chapman, A. L. (2013). Borderline personality features and emotional reactivity: The mediating role of interpersonal vulnerabilities. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 44(2), 271-278.
- Elzy, M. B. (2009). *Exploring the relationship between childhood sexual abuse and borderline personality features using social support as a moderating factor*. A thesis submitted for the degree of Master of Arts, University of South Florida.
- Fath, N., Azadfallah, P., Rasoolzadeh-Tabatabaee, K. & Rahimi, Ch. (2013). Validity and Reliability of the Inventory of Interpersonal Problems (IIP-32). *Journal of Clinical Psychology*, 5, 3(19), 69-81(Text in Persian).
- Feeney, J. A. (2006). Parental attachment and conflict behavior: Implications for offspring's attachment, loneliness, and relationship satisfaction. *Personal*

- Relationships*, 13(1), 19–36.
- Goldsmith, R. E., Chesney, S. A., Heath, N. M. & Barlow, M. (2013). Emotion regulation difficulties mediate associations between betrayal trauma and symptoms of posttraumatic stress, depression, and anxiety. *Journal of Trauma Stress*, 3, 376-84.
- Gratz, K. L., Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: development, factor structure, and initial validation of the Difficulties in Emotion Regulation Scale. *Journal of Psychopathology Behaviour Assessment*, 26(1), 41-54.
- Gunderson, J. G. (2007). Disturbed relationships as a phenotype for borderline personality disorder (commentary). *American Journal of Psychiatry*, 164(11), 1637–1640.
- Hashemi, Z. & Jokar, B. (2012). Causal modeling of emotional resiliency: Role of attachment to parents and peers, coping strategies and emotions cognitive regulation. *Journal of Psychological Studies*, 9, 1, 9-37(Text in Persian).
- Hassin, R., & Trope, Y. (2000). Facing faces: Studies on the cognitive aspects of physiognomy. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(5), 837–852.
- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E., Baer, B. A., Ureno, G. & Villasenor, V. (1988). Inventory of Interpersonal Problems: psychometric properties and clinical applications. *Consulting and Clinical Psychology*, 56(6), 885-892.
- Hrubec, Z., & Neal, J. V. (1978). The national academy of sciences-national research council twin registry: Ten years of operation. *Progress in Clinical & Biological Research*, 24(Part B), 153–172.
- Hrubec, Z., & Neel, J. V. (1981). Familial factors in early deaths: twins followed 30 years to ages 51–61 in 1978. *Human Genetics*, 59(1), 39–46.
- Kernberg, O. F. (1992). *Aggression in personality disorders and perversions*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Khorrandel, K. (2014). *Etiology of obsessive spectrum disorders (Integrated model of genetically, environmental and behavioral)*. Thesis of Ph. D. Psychology, University of Mohaghegh Ardebili, Iran(Text in Persian).
- Lenzenweger, M. (2008). Epidemiology of personality disorders. *Psychiatric Clinics of North America*, 31(3), 395–403.
- Linehan, M. M. (1993). *Cognitive-behavioral treatment of borderline personality disorder*. New York: Guilford.
- Mohammad Zadeh, A. (2009). Study some of demographic correlatives of borderline personality patterns in non-clinical samples. *Journal of Psychological Studies*, 6(4), 147-161(Text in Persian).
- Mohammad Zadeh, A., Goodarzi, M. A., Taghavi, M. R & Molla Zadeh, J. (2004). Study of factor structure, validity, reliability and normalization of Borderline Personality Scale (STB) in students of Shiraz University. *Journal of Fundamental of Mental Health*, 7(27 & 28), 75-89(Text in Persian).
- Payandeh Najafabadi, A. T. & Omidi Najafabadi. (2016). On the Bayesian Estimation for Cronbach's Alpha. *Revised by Journal of Applied Statistics*, In Press.
- Rawlings, D., Claridge, G., & Freeman, J. L. (2001). Principal components analysis

- of the Schizotypal Personality Scale (STA) and the Borderline Personality Scale (STB). *Personality and Individual Differences*, 31(3), 409-419.
- Sadikaj, G., Russell, J. J., Moskowitz, D., & Paris, J. (2010). Affect dysregulation in individuals with borderline personality disorder: Persistence and interpersonal triggers. *Journal of Personality Assessment*, 92(6), 490-500.
- Skodol, A. E., Gunderson, J. G., Pfohl, B., Widiger, T. A., Livesley, W. J., Siever, L. J. (2002). The borderline diagnosis I: psychopathology, comorbidity and personality structure. *Biological Psychiatry*, 51(12), 936-950.
- Stanley, B. & Siever, L. J. (2010). The Interpersonal Dimension of Borderline Personality Disorder: Toward a Neuropeptide Model. *American Journal of Psychiatry*, 167(1), 24-39.
- Stepp, S. D., Smith, T. D., Morse, J. Q., Hallquist, M. N., & Pilkonis, P. A. (2012). Prospective associations among borderline personality disorder symptoms, interpersonal problems, and aggressive behaviors. *Journal of Interpersonal Violence*, 27(1), 103-124.
- Stone, M. H. (1988). Toward a psychobiological theory of personality disorder: Is irritability the red thread that runs through borderline conditions. *Dissociation*, 1(2), 2-15.
- Torgersen, S., Lygren, S., Oien, P. A., Skre, I., Onstad, S., Edvardsen, J., Tambs, K. & Kringlen, E. (2000). A twin study of personality disorders. *Comprehensive Psychiatry*, 41, 416-425.
- Ubbiali, A., Chiorri, C., & Donati, D. (2011). The Italian version of the Inventory of Interpersonal Problems Personality Disorders Scales (IIP-47): Psychometric properties and clinical usefulness as a screening measure. *Journal of Personality Disorders*, 25(4), 528-541.
- Young, J. E., Klosko, J. S. & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: a practitioner's guide*. NY: Guilford Press.

**Mediator Role of Interpersonal Vulnerability in
Prediction of Borderline Personality Traits
Based on Emotion Dysregulation in
Monozygotic and Dizygotic Twins**

Mahnaz Ghiasi*, Seyedeh Monavar Yazdi**

& Gholamraza Sarami Foroshani***

Abstract

The purpose of this research was to study the mediator role of interpersonal vulnerability in relation between emotion dysregulation and borderline personality traits in monozygotic and dizygotic twins. Statistical population was monozygotic and dizygotic twins, member of Persian twins and multiples association. The participants consisted of totally 250 individual in each group, aged at least 18 years old. They were selected with simple random sampling and answered to the Schizotypal Trait Questionnaire (STB), Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS), Inventory of Interpersonal Problems (IIP) and Zygosity Questionnaire. The data were analyzed by descriptive statistic, Pearson correlation coefficient and hierarchical regression analysis methods. The results showed interpersonal vulnerability had mediator role of the relationship between emotion dysregulation and borderline personality traits in monozygotic twins, but this was not obtain for dizygotic twins. Conclusion: According to the research sample, we conclude that heritability can play an important role on dominating the borderline personality traits.

Key words: emotion dysregulation; personality disorder; interpersonal vulnerability

* PhD student, Alzahra University

**Professor, Alzahra University

***Assistant Professor, Kharazmi University

Reseived:2016/1/10

Accepted:2016/6/22

DOI: 10.22051/psy.2016.2382